

# بردو راهی صلح خونین در افغانستان !

" فشار از بالا چانه در پائین " (۱)



## بیوسته به گذشته قسمت یکصد دوم

شاید هیچ اعلامیه ای و هیچ جمله ای در برهم ریختن برنامه ای متعلق با برنامه صلح کاریکاتوری در افغانستان به اندازه این خبر که " **طالبان مذاکرات مستقیم با حکومت کابل را رد کرد**" تأثیر و هیجانی به جای نه مانده باشد ،

په څلور اړخیزو غونډو کې د اسلامي امارت د استازو د نه گډون په اړه د اسلامي امارت اعلامیه

دا چې له یوې خوا امریکایان افغانستان ته نوي تازه دمه ځواکونه را لیبی، په مختلفو جبهو کې لږم هوائی بمبارد ته دوام ورکوي او د شپې په چاپو کې په خپله ونډه اخلي، له بلې خوا د کابل ادارې په مختلفو ولایتونو کې جکې پرې ځي کړي دي او په سره ژمي یې په زرگونو کورنۍ د خپلو مېنو پرېښودو ته اړ ایستلي دي، ورسره په خنګ کې د مذا کراتو او څلور اړخیزو غونډو جریان او تبلیغات هم بڼه په قوت کې روان دي، دغه دوه متضاد حرکتونه په داسې حال کې جریان ته لویډلي دي چې د اسلامي امارت سیاسي دفتر له پیله څخه د مذاکراتو په اړه په جر یان کې نه دی اچول شوی او نه هم د افغاني مطرحو شخصیتونو غوښتنې په پام کې نیول شمه، ده...

باید صمیمانه گفت که اینگونه هیجان از آن جهت بیشتر مورد توجه قرار گرفت که برای نخستین بار پرده از نبرد رقابتی میان ارتش پاکستان که خود را نگهبان سنتی نظریه پاکستان می شمارد و حکومت به ظاهر منتخب آنکشور بر هبریی محمد نواز شریف صدراعظم پاکستان که به استدلال مؤثریت فورمول معروف " فشار از بالا چانه در پائین " برداشته می شد .

[https://www.youtube.com/watch?v=NhCJDN1\\_F2U](https://www.youtube.com/watch?v=NhCJDN1_F2U)

داستان این رقابت به گذشته ء دور و به آنگاه میرسد که جنرال محمد ضیا الحق از حامیان و پاسداران صادق نظریه پاکستان در یک سانحه دراماتیک هوائی همراه با چندین تن از بلند رتبه ترین جنرالان ارتش پاکستان جان باخت و محمد نواز شریف از ولی نعمت مقتدری محروم گشت . دیری نگذشت که یکی از دیپلماتهای نام آور انگلیسی در اسلام آباد به سراغش آمد و برای محمد نواز شریف مشوره داد که باید در تلاش آن باشد تا پله قدرت نظامی نظریه پاکستان را با اقدامات و تدابیر شبه دموکراتیک

تکافو بخشد که بتواند به مقتضای روزگار حاضر " هم لعل بدست آید و هم یار نرنجد " و نقشه راهی را که در راستای نظریه پاکستان و عمق استراتژیک آن با زور و فشار نظامی تطبیق میگردید در سایه رأی‌مصلحتی مردم و انتخابات آزاد مورد تطبیق قرار دهند. محمد نواز شریف در پرتو این نسخه بر آن شد تا عمق استراتژیک پاکستان را که در نظریه پاکستان بر شانه های نظامیان و ارتش این کشور تفسیر و تعبیر می گردید از شانه های ارتش پائین و به دولت شبه منتخب پاکستان منتقل سازد

<https://www.youtube.com/watch?v=rOyWL6JiU1E>

می بینید که چگونه محمد نواز شریف فرزند معنوی جنرال ضیا الحق دیکتاتور پاکستان برای تکمیل خوابهای قدرت راه نظامیگری را پایان میدهند و سرانجام به فکر تحقق نظریه پاکستان از راه دموکراسی و به ظاهر انتخابات آزاد می گردد. برای این هدف **جنرال پرویز مشرف** یکی از مطمئن ترین چهره ای را که در تاریخ ارتش پاکستان کم شناخته شده بود و با اینکه سالهای از جوانی را در ترکیه سکولار سپری نموده بود با روح سیاسی و اجتماعی اسلام کاری نداشت بریاست ستاد ارتش پاکستان گماشت اما از اینکه نظریه پاکستان مانند جراثیم کشنده در وجود تک تکی از شهروندان آنکشور ریشه دوانیده است نتوانیست صلاحیت های ارتش را در محدوده نگهبانی مرزها محدود نمایند لهذا آنگاه که جنرال پرویز مشرف مصروف یک بازدید رسمی از مالیزیا بود نواز شریف طی یک اقدام فوری جنرال ضیا الدین را به جایی پرویز مشرف منصوب ساخت وقتی جنرال مشرف خبر برکناری خود را از سمت فرماندهی ارتش استماع نمود بلادرنگ در یک هواپیمای مسافربری بسوی پاکستان حرکت کرد که از نشست هواپیمای حامل جنرال مشرف در فرودگاه کراچی ممانعت بعمل آمد

<https://www.youtube.com/watch?v=TYADmJ6B4Gw>

اما طیاره بر آسمان فرودگاه آغاز به دوره زدن کرد. افسران ارتش پاکستان که در میدان هوایی کراچی مستقر بودند نه تنها از پذیرش دستور نواز شریف سرپیچی نمودند بلکه طی تماس با جنرال مشرف از وی خواست تا مسئولیت کودتا علیه نواز شریف را متقبل شده و طیاره حامل اش را در میدان هوایی کراچی فرود آید که بدین ترتیب حکومت به ظاهر منتخب نواز شریف طی یک کودتای نظامی بدون خونریزی سقوط کرد و محمد نواز شریف نیز پس از محاکمه و محکومیت به چندین سال حبس به وساطت عربستان سعودی طی یک موفقیتناهمه رسمی همراه با خانواده اش به عربستان تبعید گردید اما هیچکسی نه میدانیست که چرا عربستان سعودی و حکومت محافظه کار انگلیس تن به این معامله رسوا داد و نواز شریف صدراعظم معزول پاکستان را در سرزمین اش بحیث یک مهمان عالیقدر پذیرائی نمود اما بسیار زود روشن گردید که وظیفه اصلی مبنی بر انتقال عمق استراتژیک پاکستان از شانه های ارتش آنکشور به حزب مسلم لیگ برهبری نواز شریف پس از تبعید دراماتیک نواز شریف به عربستان آغاز می گردید.



چنانچه در یک زمان نسبتاً کوتاه نواز شریف بنابر حکم همان دادگاهی که وی را به اتهام طیاره ربائی و دوسیه قتل مجرم شناخته بود از تمامی جرائیم بری الذمه دانیست و وی نیز با دستان پر از چندین میلیون دالر نخست به لندن و سپس غرض شرکت در انتخابات پارلمانی به لاهور پاکستان بازگشت . وی در انتخابات شرکت کرد و با پولهای عربستان در انتخابات پارلمانی به قدرت رسید و در نخستین ایام به قدرت آمدن اش بحیث صدراعظم پاکستان دولت متشکل از عناصری که در تاریخ گذشته برای ارتش آنکشور چهره های مطلوبی نبودند مبادرت ورزید بویژه آنگاه که سرتاج عزیز وابسته به یک خانواده اشراف ایالت خیبر پشتونخواه را بحیث مشاور امنیت ملی و در عین مشاور امور خارجی منصوب ساخت همچنان چهره دیگری بنام چودری نثار علی خان تعیین هرکسی که در این موقعیت ها منصوب می شد یا از سوی ارتش جابجا میگردد و یا هم با ارتش پاکستان بویژه با سازمان اطلاعات نظامی ISI مشورت صورت می گرفت اما اینگونه تمرد و یاغی گری بصورت روشن اهداف درونی و پنهانی محمد نواز شریف صدراعظم پاکستان را برملا می ساخت و زمینه را برای مخالفان تابلودار بنیادگرای مذهبی مساعد می ساخت که گویا وی مخالف نظریه پاکستان است و هواخواه یک حکومت سکولار در پاکستان میباشد !! شگفت انگیز است که این مسابقه برای نخستین بار در جغرافیای افغانستان آنگاه برملا گردید که گروه فدائی محاذ برهبری منصور دادالله از یاغیانی که رسوبات اندیشه های سلفی و داعشی را از دیر به میراث برده بود مرگ ملا محمد عمر رهبر پیشین طالبان را افشاً ساخت و اعلام نمودند که ملا محمد عمر رهبر طالبان در حوالی سال ۲۰۱۳ میلادی در اثر بیماری که عائد حالش بوده در یکی از شفاخانه های شهر کراچی وفات نموده و در یک نقطه نامعلوم ولایت زابل دفن گردیده است . پیوست با این افشاً گری استخباراتی آقای جنرال راحل شریف به امریکا سفر کرد که از وی با تأکید فروان خواسته می شد تا طالبان و دیگر مخالفین مسلخ را غرض انجام گفتگو های صلح با حکومت جدید کابل تحت فشار قرار دهند تا با دولت وحدت ملی افغانستان به میز مذاکره و گفتگو حضور یابند .



اما در اسلام آباد نواز شریف غرض اقناع محمد اشرف غنی رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان اسفند یار ولی رهبر حزب عوامی نیشنل پارٹی را فرا خواند و با محمود خان اچکزی نیز صحبت تلفنی انجام داد تا با معیت یک هیأت متشکل از احزاب ملی گرا و سکولار که از مداخله ارتش پاکستان چندان دل خوشی ندارند تا در کنفرانس جهانی محیط زیست و اقلیم که قرار بود در پاریس پایتخت فرانسه انعقاد یابد به جایی عبدالله عبدالله شخص محمد اشرف غنی حضور یابند و ضمن ملاقات با دولتمردان افغان از آنها بخواهند که به عوض ارتش پاکستان از بخش حکومت "منتخب" یعنی حکومت مسلم لیگ برهیری محمد نواز شریف تقاضا بعمل آورند که طالبان و دیگر مخالفین را به میز مذاکره دعوت کنند. چنانچه طبق نقشه و برنامه هیأتی مشتمل بر احزاب و سازمان های ملی گرایی پشتون و بلوچ به کابل آمدند و پیام شفاهی نواز شریف را به زامداران کابل رساندند اما در عین حال برای وانمود ساختن این سفر که گویا یک سفر معمولی و در ادامه سفرهای قبلی احزاب میلیگرایی پشتون و بلوچ انجام می یابد مصارف و هزینه این سفر مغائر با پروتوکول های قبلی از سوی وزارت سرحدات و قبائل پرداخته شد و آقای عبدالغفور لیوال معین وزارت سرحدات برای سرپوش گذاشتن به اصل هدف از این مسافرت اعلام کرد

<https://www.youtube.com/watch?v=g4NaZv5um8g>

که گویا چندین صد بورس تحصیلی را که از سوی کشورهای دوست به افغانستان داده میشوند به مردم محروم آنسوی مرز اختصاص می یابند. بنابر سفارش نواز شریف آقای اشرف غنی به جایی عبدالله در کنفرانس محیط زیست منعقد در پاریس اشتراک نمود و طی گفتگو با نواز شریف فیصله به عمل آمد که برای آغاز مذاکرات صلح با طالبان و ایجاد نقشه راه نخستین اجلاس کنفرانس چهار جانبه به اشتراک چین و ایالات متحده امریکا در اسلام آباد پاکستان برگزار شود،



چنانچه همه دیدند و شاهد بودیم نخستین کنفرانس چهارجانبه صلح افغانستان در اسلام آباد از سوی سرتاج عزیز مشاور امور خارجی حکومت نواز شریف در حالی برگزار شد که هیچ یکی از عناصر و افسران بلندرتبه ارتش پاکستان که بر مخالفان مسلح رژیم کابل از نفوذ برخوردار باشند حضور نداشتند ، آگاهان امور منطقه از همان نخستین لحظات برگزاری کنفرانس چهار جانبه واقع در اسلام آباد ناکامی آنرا پیش بینی نموده بودند زیرا این کنفرانس ها از سوی جناح غیر نظامی حکومت پاکستان برهبریی سرتاج عزیز بحیث مشاور ارشد نواز شریف در امور خارجی تدویر شده بود . البته قبل از برگزاری این کنفرانس چهار جانبه مطبوعات پاکستان اعلام داشت که در مذاکرات آئنده تمامی جناح های عمده مانند جناح ملا اختر محمد منصور که پس از اعلام خبر مرگ ملا محمد عمر مجاهد بحیث جانشین وی انتخاب شده بود ، همچنان ملا رسول که ملا اختر منصور را عامل مرگ ملا محمد عمر میدانستند



۱ : تیوری " فشار از بالا و چانه در پائین " برای نخستین بار از سوی سعید حجاریان که به تیوری پرداز اصلاحات در ایران مشهور است ابداع گردیده است